



اشک مادر افغان :

در غربت و رنج فرزندان مهاجر

حقوقدان خارنوال طوبی هاشمی  
عضو هیئت اجرائیه و مسئول  
تخنیکی حقوق تی وی

#### مقدمه

مهاجرت، برای بسیاری از مردم جهان یک انتخاب است اما برای افغانها بیشتر شبیه یک تبعید ناخواسته است.

دههها جنگ، فقر، ناامنی و ترس، میلیونها هموطن ما را وادار کرده تا خانه و وطن خود را ترک گفته و در پی سرپناهی امن راهی سرزمینهای ناشناخته شوند. سرزمینهایی چون ایران، پاکستان، ترکیه و اروپا، که گاه به جای آرامش، به قبرستان خاموش امیدها مبدل می گردند. در این میان، مادران افغان بزرگترین قربانیان خاموش این تراژدی اند مادرانی که فرزندان شان را با دل پُر از امید روانه سفر می کنند اما تنها خبر مرگ شان بازمی گردد.

این مضمون تلاشی است برای بازتاب رنج پنهان این مادران و درد غربتی که در استخوانهای ملت ما ریشه دوانده است.

توضیحات شواهد و احساسات این تحریر:

هر صبحی که در افغانستان و ولایت های زیبای آن سرزمین خسته آفتاب می تابد، مادری فرزندش را با هزار دعا راهی سفر می کند.

سفری که بیشتر شبیه قمار زنده گی است. تا رفتن به آینده ای روشن این فرزندان اغلب بدون مدرک قانونی، توسط قاچاقبران به سوی ایران، ترکیه و اروپا حرکت می کنند.

شماری در کوه های برفی ترکیه جان می دهند، شماری در آب های مدیترانه ناپدید می شوند، و برخی دیگر در بیابان های مرزی ایران از گرسنگی و تشنگی از پای می افتند.

مادرانی که پسران شان را به امید زندگی بهتر روانه ساخته اند گاهی فقط یک تماس کوتاه، یا خبر غم انگیز مرگ در غربت را دریافت می کنند.

برخی جنازه‌ها هیچ‌گاه باز نمی‌گردند فقط یک تصویر، یک کفش یا یک پیراهن باقی می‌ماند تا مادر، سال‌ها آن را در آغوش گیرد و با اشک شست‌وشو دهد.

در ایران مهاجران افغان با چالش‌های بزرگی مواجه‌اند. نبود مدارک، اخراج‌های گروهی، تبعیض و بدرفتاری سبب شده تا خانواده‌ها پیوسته در ترس زندگی کنند. مادران

شب‌ها با ترس بازداشت شوهر یا پسرشان به خواب می‌روند و روزها با نگرانی لقمه‌ای نان را به خانه می‌آورند. در پاکستان نیز هزاران خانواده افغان در اردوگاه‌ها بدون سرنوشت مشخص زندگی می‌کنند؛ کودکان بدون شناسنامه نوجوانان بدون آموزش و مادرانی که نمی‌دانند فردا از آن کیست.

غم غربت تنها دوری از وطن نیست بلکه دوری از زبان مادری از فرهنگ از خاکی‌ست که در آن ریشه داریم.

و هیچ‌کس این درد را چون مادر افغان حس نمی‌کند او نه تنها خانه‌اش را ترک گفته، بلکه فرزندانش را نیز در این راه از دست داده است.

غربت برایش یعنی قبر بی‌نام و نشان پسرش در سرزمینی بیگانه.  
نتیجه‌گیری:

مهاجرت افغان‌ها تنها یک پدیده‌ی اجتماعی نیست این یک فاجعه انسانی‌ست که در هر چهره‌ی خسته‌ی یک مادر در اشک چشم کودکی که در غربت به دنیا آمده،

در استخوان‌هایی که زیر برف مدفون‌اند خود را نشان می‌دهد.

جامعه جهانی باید صدای این درد را بشنود و در قبال مهاجرین افغان، به ویژه زنان و کودکان و نوجوانان مسئولانه‌تر برخورد کند. هیچ مادری نباید پسرش را در راه نان دادن به خانواده به خاک بسپارد.

اگر هنوز مفهومی به نام انسانیت باقی‌ست باید از میان همین قصه‌ها بیدار شود.

تحریر موضوع با اشک و حس یک مادر که مادران شجاع مهربان چشم به راه و توانان و افغان خود را دوست دارد و به تک‌تک شان افتخار می‌کنند. بی‌آئید از درد ملت خود بنویسیم بنویسم تا فرزندان ما در آینده بدانند بهترین مادران جهان مادر های افغان هستند  
اردتمند طوبی هاشمی

منابع:

۱. سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) - گزارش در مورد اخراج مهاجران افغان از ایران و پاکستان (۲۰۲۴)

۲. بی‌بی‌سی فارسی - روایت مرگ مهاجران افغان در کوه‌های ترکیه و آب‌های مدیترانه